

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان انقلابی افغانستان

۱۷ جنوری ۲۰۱۸



برنامه

و

اساسنامه

سازمان انقلابی افغانستان

مقدمه

سازمان انقلابی افغانستان، سومین کنگره خود را در شرایطی برگزار کرد که بورژوازی امپریالیستی به طور بی پیشینه به قتل و کشتار، شکنجه و اسارت، فقر و گرسنگی، بیماری و بیکاری، توهین و تحقیر، فساد و ارتشاء دامن می زند و توده های تهیدست ما را بی محابا می کشد. این کنگره در زمانی برگزار شد که میهن عزیز ما به آزمایشگاه سلاح های سنگین امپریالیست ها تبدیل شده، رقابت امپریالیست ها در کشور ما حاد شده، دولت پوشالی بویناکتر و متعفن تر از قبل عمل نموده، در کنار نیروی سفاک طالب، داعشی های خونریز نیز به وسیله بورژوازی امپریالیستی سرو سامان گرفته به دریدن توده های تهیدست ما مشغول است و گلبدین جنایتکار به حیث مهره سیاه دنانت و جنایت، در کنار جناوران جهادی به امپریالیزم امریکائی - ناتوئی مشغول خدمت شده است.

این کنگره در حالی برگزار شد که در میان این همه جنایتگری خونین، چپ کشور ما در حالت نامطلوب و پسیف به سر می برد. عدم پیوند عمیق و فشرده با توده ها، ابتکار عمل را از چپ گرفته است. چپ ما، یا بی برنامه است و یا هم برنامه کاری مؤثر برای سمت و سوی جریان مبارزاتی توده ها ندارد. بدون مشی، برنامه و سیاست انقلابی، چپ در رخوت و فلاکت باقی می ماند و کوچکترین گامی برای راندن امپریالیزم و انقلاب رهائی بخش ملی - دموکراتیک برداشته نمی تواند.

سازمان انقلابی افغانستان باور دارد که با برنامه عملی انقلابی می تواند نقش مؤثر در هدایت جنبش های توده ئی، جنگ رهائی بخش ملی و رسیدن به سوسیالیسم ایفاء نماید؛ به همین منظور برای افزایش مؤثریت برنامه کاری، اعضای شرکت کننده سومین کنگره سازمانی، برنامه مصوب دومین کنگره سازمان را مجدداً به بحث و تبادل نظر گذاشتند که منتج به تعدیلاتی شد که اینک به اعضای سازمان و جنبش انقلابی کشور ارائه می گردد.

مرگ بر امپریالیزم

در راه سوسیالیزم، به پیش!

۱۹ عقرب ۱۳۹۶

برنامه سازمان انقلابی افغانستان

ماده اول: سازمان انقلابی افغانستان معتقد به مارکسیزم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون (م. ل. ا) بوده و هدف نهایی آن را کمونیسم می سازد. «سازمان انقلابی» به حیث پیشاهنگ پرولتاریا و مدافع پیگیر منافع زحمتکشان برای تحقق سوسیالیسم در افغانستان مبارزه می کند. «سازمان انقلابی» دارای دو برنامه حداقل و حداکثر است که برنامه حداقل آن به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و برنامه حداکثر آن انجام انقلاب سوسیالیستی است.

ماده دوم: وضعیت حاکم طبقاتی در کشور ما مستعمره - نیمه فیودالی است. با تجاوز امپریالیسم امریکا - ناتو، کشور ما به مستعمره تبدیل شده که بخش اصلی اقتصاد بورژوازی در کشور ما نیز عمدتاً در چنگ بورژوازی دلال و وابسته به امپریالیسم قرار دارد و در کنار آن زندگی در حدود ۷۵ درصد مردم به اقتصاد فنودالی در دهات با تولید زراعی پراکنده و غیر میکانیزه وابسته است که این دو اقتصاد، شاخص اصلی سیمای طبقاتی جامعه ما می باشد.

ماده سوم: مرحله انقلاب ما، انقلاب ملی - دموکراتیک تراز نوین است که با دو وظیفه ملی (بیرون راندن اشغالگران و سرنگونی بورژوازی کمپرادور) و دموکراتیک (سرنگونی فیودالیسم) تکمیل می گردد. این دو وظیفه (با این که جنبه ملی آن در حال حاضر ارجحیت دارد) جدا ناپذیر بوده، به حیث یک مرحله واحد به اجرا در می آید.

ماده چهارم: در انقلاب ملی - دموکراتیک، پرولتاریا نیروی رهبری کننده است. پرولتاریا با متشکل نمودن دهقانان، خرده بورژوازی و جلب نیروی بینابینی (بورژوازی ملی)، جبهه متحد ملی ضد بورژوازی امپریالیستی ایجاد و دشمن را به اعلی درجه تجرید می نماید. رکن عمده انقلاب دموکراتیک نوین مردم است و نیروهای محرکه این انقلاب کارگران، دهقانان و سایر طبقاتی هستند که علیه امپریالیسم و فنودالیسم می جنگند. نیروی اساسی انقلاب را کارگران و دهقانان می سازند که با در نظر داشت اکثریت دهقانی کشور ما، نیروی عمده انقلاب را از لحاظ کمی دهقانان می سازد.

ماده پنجم: پرولتاریای صنعتی در کشور ما به لحاظ توسعه کمرنگ سرمایه بزرگ صنعتی، کمیت ناچیز دارد. پرولتاریا عمدتاً در سکتور خدماتی مصروف فروش نیروی خود است و عده ای کمی از آن در سکتور زراعت به حیث کارگر زراعتی و تعدادی هم در فابریکه های تولید صنایع خفیفه مصروف فعالیت اند. کارگران فصلی و روز مزد طیف وسیعی را نیز می سازند. لومپن پرولتاریا، بادر نظر داشت بیکاری و وابستگی عمیق باندهای مافیائی با دولت پوشالی، کتله ای نسبتاً بزرگ از پرولتاریا را می سازد.

پرولتاریای صنعتی نقش تعیین کننده در انقلاب دارد. این طبقه اگر از یک طرف با صنعت بزرگ بورژوازی آشناست که سبب همبستگی صنفی این طبقه می شود، در عین زمان عامل عمده در منضبط بودن آن است. پرولتاریای خدماتی و زراعتی، به طور پراکنده و سکتوری مصروف فعالیت است که انضباط پذیری و همبستگی آن را تضعیف می کند. پرولتاریای فصلی و روزمزد نیروی کار خود را به شکل انفرادی به فروش می رساند و محل کار آن در حال تغییر است و در برابر همبستگی آن این یک معضل به شمار می رود. لومپن پرولتاریا، از آنجائی که بیشتر آماده

خدمتگذاری به ستمگران، باند‌های مافیائی، دولت پوشالی و امپریالیست‌ها است؛ نیازمند رعایت احتیاط و دقت و هوشیاری سازمان‌های کمونیستی در عرصه جلب آنان به انقلاب است.

با در نظر داشت وضعیت فوق، پرولتاریا نیروی رهبری کننده انقلاب است؛ اما با در نظر داشت وضعیت کنونی و کمیتی آن نیروی عمده انقلاب به شمار نمی‌رود.

ماده ششم: افغانستان کشور زراعتی است که اکثر باشندگان آن را دهقانان تشکیل می‌دهند. این دهقانان قرن‌ها تحت ستم فئودالان و ملاکان ارضی قرار داشته، در زندگی گاهی طعم خوشبختی را نچشیده‌اند. این طبقه در نزدیک به چهار دهه گذشته (اشغال شوروی سابق، حاکمیت جهادیان و طالبان و اشغال کنونی) بیشترین قربانی را متحمل گردیده است. دهقانان به حیث نیروی عمده انقلاب، متحدین اصلی پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک نوین بوده، بدون اتحاد پرولتاریا با دهقانان، پیروزی بر دشمنان انقلاب ناممکن می‌باشد، لذا بسیج و دادن آگاهی پرولتاریا به دهقانان یکی از وظایف اصلی سازمان ما در حال حاضر است. پرولتاریا در اتحاد با دهقانان و خرده بورژوازی با به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و انجام انقلاب ارضی و تأمین رفاه دهقانان، به ستم‌های تاریخی بر این طبقه خاتمه می‌بخشد.

ماده هفتم: در کنار دهقانان، خرده بورژوازی که شامل روشنفکران، هنرمندان، نویسندگان، داکتران، اهل کسبه، مأمورین (آنانی که در بست‌های سیاسی کار نمی‌کنند)، دکانداران، پیشه‌وران و افرادی با شغل‌های آزاد می‌باشند، در انقلاب دموکراتیک نوین متحد پرولتاریا بوده، اقشار میانه و تهیدست آن بیشتر و زودتر در انقلاب سهم می‌گیرند و از متحدان نزدیک پرولتاریا محسوب می‌شوند. در شرایط کنونی دانشمندان، مهندسين، تخیگران، استادان، معلمان، نویسندگان، هنرمندان، داکتران، مأموران و خبرنگاران با در نظر داشت این که نیروی خود را به فروش می‌رسانند یا نه، در قطار پرولتاریا یا خرده بورژوازی جا می‌گیرند.

روشنفکران در برابر حوادث سیاسی حساس بوده، اما با ضعف‌های زیادی که دارند، بار مشکلات انقلاب را تحمل نکرده، بسیاری از آنان تا زمانی که در تیوری و پراتیک انقلابی آبدیده نشوند و اخلاقیات پرولتاریا را در عمل کسب نکنند، در نیمه راه، انقلاب را ترک خواهند کرد. احزاب و سازمان‌های کمونیستی در ابتدای تشکیل، صفوف خود را از روشنفکران پر می‌سازند، اما در جریان پراتیک انقلابی از یک طرف با بریدن روشنفکران از افکار خرده بورژوائی و از سوی دیگر با وارد کردن پیشروان طبقه کارگر، حزب از روشنفکران خرده بورژوا منزله می‌گردد.

ماده هشتم: بورژوازی ملی در شرایط کنونی فوق العاده ضعیف بوده، با هجوم کمپنی‌های امپریالیستی و بورژوازی کمپرادور در وضعیت ناهنجاری قرار دارد و هر روز خبر ورشکستگی کارخانه‌های این طبقه، از شهرک‌های صنعتی کابل، هرات، قندهار، مزار شریف و جلال‌آباد به گوش می‌رسد. این طبقه تا حال چندین اتحادیه صنعتی را تأسیس نموده که ظاهراً از حقوق‌شان در برابر سرمایه‌های خارجی دفاع می‌کنند. تولید کوچک که برای شرکت‌های سرمایه‌داری کمپرادور قرین به صرفه نیست، به این طبقه واگذار گردیده است که از این طریق مصروف استثمار کارگران می‌باشد. بورژوازی ملی طبقه بینابینی است و آماده همکاری با امپریالیزم می‌باشد، اما وقتی به علت ضعف سرمایه‌مورد توجه و الطاف این شرکت‌ها قرار نمی‌گیرد و در مرز ورشکستگی قرار می‌گیرد، با نیروهای ضد امپریالیستی متحد می‌گردد. این طبقه در جریان انقلاب نیز می‌تواند با سرمایه‌داری دلال‌تباری کند و به انقلاب پشت نماید، لذا انقلابیون باید در اتحاد با این طبقه هوشیار و حساس باشند، رهبری را هرگز به آن نسپارند و سیاست وحدت - مبارزه را با آن جداً رعایت کنند.

پرولتاریا جهت استفاده از تضاد بین بورژوازی ملی و امپریالیزم و تجرید دشمن به اعلى درجه با بورژوازی ملی متحد می شود، اما فعالیت های انقلابیون و به راه انداختن انقلاب دموکراتیک نوین به هیچ وجه موکول به ساختن چنین اتحاد و جبهه ای نمی گردد.

ماده نهم: ملاکان ارضی که با از طریق کسب بهره مالکانه دهقانان را استثمار می کنند و یا هم با ایجاد حلقه های مافیائی توده های ستمدیده دهقانی را غارت می کنند، پایگاه امپریالیزم را در دهات می سازند. پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین با انقلاب ارضی و مصادره املاک ملاکان تکمیل می گردد. با این که در جریان بیش از سه دهه جنگ، ملاکان ارضی ضربه خورده، موقعیت گذشته شان را ندارند، اما ملاکان تازه به دوران رسیده که از درون جریانات تنظیمی سر بر آورده اند، با گروه های مسلح و بعضاً حزب و سازمان به بدترین وجهی دهقانان را استثمار کرده، مورد بهره برداری های سیاسی قرار می دهند. این طبقه که صاحب زمین و ابزار تولید بوده و آماده خدمت به اشغال امپریالیست ها می باشد، در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیزم سرنگون می شود.

ماده دهم: بورژوازی کمپرادور پایگاه اصلی امپریالیزم در کشور ماست. این طبقه در خدمت شرکت های امپریالیستی قرار دارد، لذا امپریالیست های امریکائی و اروپائی با تمام قواء تلاش دارند تا این طبقه را تقویت نمایند و از طریق آن نه تنها سرمایه های شان را به کار بیندازند بلکه در آینده آن را به گرداننده اصلی قدرت سیاسی در کشور مبدل گردانند. این طبقه همین حالا در بخش های بسیاری سرمایه های امپریالیستی را به کار انداخته است، مخصوصاً در بخش های مخابراتی، معادن، بانکداری، صنایع، ساختمانی و تجارت چون سگ پاسبان منافع امپریالیزم عمل می کند. این طبقه در انقلاب دموکراتیک نوین یکجا با امپریالیزم سرنگون می گردد و تمام دارائی های آن ملی اعلام می شود.

ماده یازدهم: سازمان انقلابی افغانستان معتقد است که جهت به فرجام رساندن انقلاب دموکراتیک نوین به سه سلاح انقلاب ضرورت است. حزب، ارتش و جبهه متحد ملی ابزارهایی اند که جهت براندازی امپریالیزم و دولت دست نشانده آن ضروری بوده، بدون چنین ابزارهایی ممکن نیست سازمان ما نبرد مسلحانه و راه محاصره شهرها از طریق دهات و سرنگونی امپریالیزم و دولت پوشالی آن را به فرجام برساند.

ماده دوازدهم: تلاش در جهت تأسیس حزب واقعی طبقه کارگر از وظایف اصلی و مرکزی سازمان ماست، زیرا بدون ایجاد چنین حزبی، هیچ سازمانی قادر به رهبری پرولتاریا و زحمتکشان تا رسیدن به جامعه سوسیالیستی نیست. حزب طبقه کارگر افغانستان در جریان کار عملی و مبارزه ایدئولوژیک در داخل کشور و از وحدت کمونیست های انقلابی به میان می آید.

سازمان ما دست هر نهاد، حزب و فردی را که برای مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون کار می کند به گرمی فشرده، معتقد به وحدت اصولی بوده و در تحقق آن می کوشد. سازمان ما نیندیشیدن به وحدت اصولی را خیانت به مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون می داند، اما انعطاف انقلابی را به هیچ وجه رد نمی کند.

ماده سیزدهم: برای به فرجام رساندن انقلاب دموکراتیک نوین، نیاز به ارتش انقلابی است. این ارتش متشکل از کارگران، دهقانان و تمام طبقاتی است که علیه امپریالیزم و فئودالیزم می جنگند. با پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین، طبقات خلق (طبقاتی که طرفدار ایجاد جامعه سوسیالیستی هستند)، تشکیل دهنده ارتش انقلابی هستند تا دیکتاتوری پرولتاریا را تسجیل نمایند.

ماده چهاردهم: تشکیل جبهه متحد ملی یکی از سه سلاح عمده انقلاب دموکراتیک نوین است. این جبهه یک نوع همسوئی میان پرولتاریا، دهقانان، خرده بورژوازی و بورژوازی ملی جهت برانداختن دشمن مشترک می باشد.

پرولتاریا درین جبهه با بورژوازی ملی سیاست وحدت - مبارزه را در پیش می گیرد. پرولتاریا، ساختن جبهه متحد را به بورژوازی ملی نه تنها منحصر نمی سازد، بلکه در قسمت ایجاد این جبهه با بورژوازی ملی بسیار محتاطانه عمل می نماید، زیرا به نقش دو گانه و ضعفش در مبارزه با امپریالیزم واقف و آگاه است.

ماده پانزدهم: دولت پوشالی که متشکل از ملاکان ارضی و بورژوازی وابسته به امپریالیزم است، به حیث دولت مرتجع، پوشالی، مزدور و مجری سیاست های اشغالگرانه، در انقلاب دموکراتیک نوین با اشغالگران یکجا سرنگون می گردد.

ماده شانزدهم: طالبان که دیدگاه ایدئولوژیک فیودالی دارند، جاهلترین نیرویست که وابسته به استخبارات کشورهای مختلف می باشند. این نیرو که مخالف هر نوع ترقی و پیشرفت است، در خدمت امپریالیزم و مافیای مواد مخدر قرار دارد. طالبان گرچه در ظاهر علیه اشغالگران می جنگند، اما با سیاست های ماورای فاشیستی و ضد مردمی خود در خدمت اشغالگران قرار گرفته، عملاً عمر اشغال را درازتر می سازند و به صورت غیر مستقیم در خدمت ستراتیژی های امپریالیستی در کشور ما قرار دارند. سازمان ما ضمن این که دشمن اصلی و عمده را هرگز فراموش نمی کند، اتحاد با این نیرو را ضد انقلابی دانسته، آن را دشمن خلق می شمارد.

ماده هفدهم: داعش، نیروی جنایتکار مذهبی که دارای دیدگاه ایدئولوژیک فئودالی است، جزوی از پروژه اشغال و رقابت های امپریالیستی در کشور ماست. داعش، به حیث نیروی ذخیره امپریالیزم برای رقابت های امپریالیستی در منطقه، جزوی از دشمنان خلق به شمار می رود و در جبهه ضد خلق قرار دارد که وظیفه انقلابیون است تا ماهیت این دشمنان قسی القلب را به توده ها شناسانده و در طرد هر چه بیشتر آن تلاش کند.

ماده هژدهم: ائتلاف ها، جبهه ها و شوراهای پوشالی که بخش عمده آن را جنایتکاران جهادی و غیر جهادی می سازد، جریان های ضد مردمی هستند که تا فرق در وابستگی غرق بوده، یا جاده صاف کن نیروهای امپریالیستی در کشور ما به حساب می آیند و یا هم به طور مستقیم در خدمت امپریالیست ها قرار دارند. این جریان ها که ظاهراً خود را «اپوزیسیون» حکومت جا می زنند، متشکل از بورژواهای وابسته، ملاکان ارضی نو به دوران رسیده و بخشی از خُرده بورژوازی مرفه هستند که جزوی دولت پوشالی محسوب می شوند و از اینرو در زمره دشمنان خلق محسوب شده، اتحاد با آن همگامی با دشمنان خلق به حساب می آید.

ماده نوزدهم: بقایای رهبری «حزب دموکراتیک خلق افغانستان» که در حال حاضر در خدمت امپریالیست های امریکائی و ناتوئی قرار دارند و با شرکت در دولت پوشالی و احزاب رسمی، مدافع اشغالگران هستند و از جاسوسی و مزدوری به سوسیال امپریالیزم شوروی به امپریالیست های امریکائی و ناتوئی استحاله نموده اند، از دشمنان خلق ما به شمار می روند، سازمان ما اتحاد با آنان را ضد انقلابی می داند.

ماده بیستم: احزاب سرکاری، جامعه مدنی پوشالی و نهادهای استعماری که مستقیم و غیر مستقیم با پول بورژوازی امپریالیستی و دول مرتجع منطقه برای اشغال و امپریالیزم و دولت های مرتجع خدمت می کنند، جزوی نهادهای ارتجاعی، مزدور و در ضدیت با منافع خلق قرار دارند. سازمان انقلابی افغانستان ضمن افشای ماهیت این نهادها، هر نوع همسوئی با گردانندگان آن را خیانت ملی - طبقاتی تلقی می کند.

ماده بیست و یکم: سازمان ما شرکت در انتخابات هائی را که در زیر سایه اشغالگران صورت می گیرد، جز تثبیت موقعیت اشغالگران و دولت پوشالی چیزی ندانسته، آن را مردود و ضد انقلابی می داند. انتخابات های نمایشی ریاست جمهوری و پارلمانی یک دهه گذشته و به خصوص انتخابات اخیر ریاست جمهوری که منجر به ایجاد حکومت

«وحدت ملی» به وسیله "جان کری" شد، نشان داد که امپریالیزم چگونه راه را برای ورود جنایتکاران و دشمنان طبقاتی زحمتکشان به کرسی های قدرت هموار می سازد و دموکراسی امپریالیستی چیزی جز تثبیت استعمار نیست.

ماده بیست و دوم: بنیاد کار تشکیلاتی سازمان ما بر پنهانکاری استوار است. اما استفاده از شرایط علنی، قانونی و نیمه قانونی برای تبلیغ و ترویج انقلابی، زمینه هائی است که سازمان ما آن را نادیده نمی گیرد. کار دموکراتیک سازمان در خدمت انقلاب ملی - دموکراتیک و کار سوسیالیستی قرار دارد. ما قطعاً انجوایزم، رفورمیزم، حزب علنی، نهاد های پروژه ئی، برنامه های بازسازی، توزیع خیر و خیرات و کمک های خیریه را جزوی از کار دموکراتیک ندانسته، بلکه خدمت به امپریالیزم و اشغالگران می دانیم.

ماده بیست و سوم: زنان که نیمی از پیکر جامعه ما را می سازند زیر ستم چند لایه قرار دارند، تا زمانی که به آگاهی طبقاتی نرسند، ممکن نیست از این همه ستم (ملی، طبقاتی و جنسیتی) رهائی یابند. این خود زنان هستند که با آگاهی از وضعیت اجتماعی و متشکل شدن در یک سازمان انقلابی می توانند به رهائی واقعی دست یابند.

سازمان ما کار میان زنان را از وظایف اصلی خود به حساب آورده، هر نوع برخورد ابزاری، فیودالی و ارتجاعی نسبت به زن را ضد مارکسیستی دانسته، معتقد است که بدون شرکت زنان هیچ انقلابی به پیروزی نمی رسد.

ماده بیست و چهارم: سازمان ما معتقد به جدائی دین از سیاست بوده، از سکیولاریزم دفاع می کند؛ دین را امر خصوصی دانسته، به این پدیده برخورد علمی داشته و از هر نوع برخورد راست روانه و چپ روانه در این مورد اباء می ورزد.

ماده بیست و پنجم: افغانستان کشور چند ملیتی است. مسأله ملیتی که یکی از ظریف ترین مسایل اجتماعی کشور ماست، با دو برخورد شئونیزم عظمت طلبانه طبقات حاکمه ملیت پشتون و ناسیونالیزم تنگ نظرانه طبقات حاکمه سایر ملیت ها خود را می نمایاند. سازمان ما وظیفه خود می داند که در کنار طبقات زحمتکش تمام ملیت ها علیه شئونیزم عظمت طلبانه و ناسیونالیزم تنگ نظرانه به مبارزه قاطع بپردازد. سازمان انقلابی افغانستان وحدت ملیت ها را در مبارزه علیه امپریالیزم امر حتمی می داند و در راستای تقویت روحیه همبستگی خلق های تمام ملیت ها در مبارزه علیه امپریالیزم و فنودالیزم تلاش می کند.

ماده بیست و ششم: سازمان انقلابی افغانستان دفاع از تمامی جنبش های آزادیبخش، کمونیستی، ملی - مترقی و ضد امپریالیستی را وظیفه خود دانسته، تا حد توان به آنها یاری می رساند و متقابلاً چنین انتظاری دارد. سازمان در برخورد با تشکلات مارکسیستی با برابری و احترام متقابل برخورد کرده، هرگونه مداخله دیگران در امور داخلی خود را خلاف اصل انترناسیونالیزم پرولتاری دانسته، خود را نیز ملزم به رعایت چنین اصلی می داند.

اساسنامه سازمان انقلابی افغانستان

فصل اول

اصول تشکیلاتی

ماده اول: ساختار تشکیلاتی سازمان انقلابی افغانستان بر اصل سانترالیزم دموکراتیک به شکل ذیل استوار است:

تمام سازمان از مرکزیت سازمان پیروی می کند.

- فرد از تشکیلات

- اقلیت از اکثریت

- ارگان های پائین از ارگان های بالا

- تمام سازمان از کمیته مرکزی

- مسئول اجرائی از بیوروی سیاسی و بیوروی سیاسی از کمیته مرکزی

- کمیته مرکزی از کنگره سازمان

ماده دوم: رهبری جمعی و مسؤولیت فردی در تمام بخش های سازمان رعایت می شود.

ماده سوم: اصل انتخابی بودن:

- مسؤول اجرائی، بیوروی سیاسی، اعضای اصلی و علی البدل کمیته مرکزی سازمان انتخابی ولی سایر ارگان های سازمانی با در نظر داشت شرایط کنونی کشور ما و رعایت اصل پنهانکاری، انتخابی بوده نمی توانند و اصل لئینی اعتماد درون تشکیلاتی در مورد سایر ارگان های تشکیلاتی سازمان رعایت می گردد.

- تصامیم ارگان های بالائی در ارگان های پائینی مرعی الاجراء می باشد، هرگاه ارگان های پائینی تصمیمی را موافق حال خود نبینند، در آن صورت مخالفت خود را با تصمیم اتخاذ شده با توضیحات کتبی دوباره به ارگان های بالائی راجع ساخته و در صورت تعدیلات در تصمیم، موافقه ارگان های بالائی را اخذ می کند. اگر ارگان بالائی با مخالفت و تعدیل موافق نباشد، در آنصورت ارگان های پائینی مکلف به اجرای تصمیم ارگان های بالائی هستند.

- مرعی الاجراء بودن دساتیر کمیته مرکزی در حالات اضطراری.

ماده چهارم: اصل گزارشدهی:

- ارگان های پائینی سازمان از طریق کمیته های مسؤول گزارش خود را به ارگان های بالاتر می دهند.

- مسؤول اجرائی که مسؤولیت بیوروی سیاسی سازمان را نیز به عهده دارد، گزارش کار خود را به بیوروی سیاسی می دهد.

- بیوروی سیاسی گزارش کار خود را به کمیته مرکزی می دهد.

- کمیته مرکزی گزارش کار خود را به کنگره و نشست های همگانی ارائه می کند.

فصل دوم

عضویت

ماده پنجم: هر هموطن ما که حداقل هفده ساله باشد و برنامه و اساسنامه سازمان را بپذیرد و در یکی از حوزه های سازمانی فعالیت کند، تصامیم سازمانی را به اجراء درآورد، پنهانکاری را رعایت نماید، دساتیر سازمان را آگاهانه بپذیرد و حق العضویت بپردازد، عضو سازمان انقلابی افغانستان محسوب می شود.

ماده ششم: وظایف عضو سازمان انقلابی افغانستان قرار ذیل است:

- عضو سازمان باید زندگی اش را وقف انقلاب پرولتری نماید، در راه منافع توده ها مبارزه کند و وظایف سازمانی را فعالانه انجام دهد.

- مارکسیزم - لنینیزم - اندیشه مائوتسه دون را با جدیت و فعالانه مطالعه کرده و به کار بندد.

- از برنامه، اساسنامه، مصوبات و قرارهای تشکیلاتی تبعیت کرده، انضباط سازمانی را رعایت نماید.

- حق العضویت خود را ماهانه به طور منظم بپردازد.

- نوعیت پرداخت حق العضویت در سند جداگانه به وسیله بیوری سیاسی تنظیم، به وسیله کمیته مرکزی تصویب و به اطلاع مسؤولین حوزه ها رسانده می شود.

ماده هفتم: عضو سازمان انقلابی افغانستان باید در کار و زندگی سازمانی سرمشق، صادق، درستکار و قاطع باشد؛ در برابر دشمن جسور باشد، در فکر مقام آسوده و کسب شهرت نباشد، از سرکوب و ارعاب نهراسد، منافع شخصی را تابع منافع سازمانی نماید، اسرار و اطلاعات درونی سازمان را در هر شرایطی حفظ کند، در انتقاد و انتقاد از خود جسارت داشته باشد، انضباط سازمان را قاطعانه رعایت نماید، اخلاق پرولتری داشته باشد، از توهین و تحقیر زحمتکشان بپرهیزد، از اعتیاد دوری جوید، در حفظ اموال سازمان تلاش ورزد، شجاعانه کمبدها و انحرافات را نشان دهد و در راه رفع آنها کوشش کند. عضو سازمان باید با خودنمائی، تکبر، خودپرستی و ظاهرسازی مبارزه نماید؛ قاطعانه علیه هرگونه نقض دموکراسی درون تشکیلات و آزاد اندیشی و جلوگیری از انتقاد به مبارزه برخیزد؛ در جلب و جذب اعضای جدید تلاش نماید؛ اهداف برنامه و سیاست های سازمان را تبلیغ و ترویج نماید، نسبت به مسأله زن برخورد مارکسیستی داشته باشد و همواره از اصل «سه آری و سه نه» پیروی کند، یعنی مارکسیزم را به کار ببندد، نه رویونیزم را؛ وحدت ایجاد کند، نه تفرقه؛ رُک و صریح باشد، نه توطئه گر و دسیسه چین.

ماده هشتم: هر عضو سازمان حق دارد:

- با در نظر داشت مفاد ماده سوم در انتخاب ارگان های مشخصی که به انتخاب گذاشته می شوند شرکت کرده از حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار می باشد.

- در باره مسایل، سیاست ها، برنامه ها و فعالیت های سازمان در کنگره، کنفرانس ها و سایر گردهمائی ها آزادانه بحث کند و نظر خود را آشکارا بیان نماید، از آن دفاع کند و پیشنهاد دهد.

- تصامیمی که پیرامون زندگی سازمانی و فعالیت هایش اتخاذ می گردد، اقتناع شود، به سوالاتش پاسخ داده شود و به پیشنهادهای رسیدگی صورت بگیرد.

- از طریق مسؤول حوزه از ارگان های بالاتر گزارش منظم پیرامون تصامیم و سیاست های سازمان بخواهد و تا جائی که به پنهانکاری لطمه نزند، مسؤول حوزه باید گزارش دهد.

ماده نهم: پذیرش اعضاء در سازمان انقلابی افغانستان قرار ذیل است:

- اعضای جدید از میان کاندیداهای عضویت که دوره تعیین شده آزمایشی را گذرانده باشند، به عضویت پذیرفته می شوند (به استثنای انقلابیونی که فعالیت های کمونیستی آنان برای حداقل دو نفر از اعضای سازمان از لحاظ زمانی معین و مشخص باشند).

- پذیرش عضویت سازمان از صلاحیت های کمیته های محلی است که باید به تأیید بیوروی سیاسی برسد.

- متقاضیان عضویت باید توسط یک تن از اعضای سازمان معرفی شوند.

ماده دهم: مراحل پذیرش عضویت در سازمان بر اساس ذیل می باشد:

- برای پذیرش عضویت در سازمان انقلابی افغانستان، کاندیداتوری عضویت از مرحله هوادار آغاز می شود.

- هوادار، عضو حوزه تشکیلاتی نیست. هوادار برای دو ماه حداقل با یکی از اعضای سازمان در تماس می باشد و پس از ارزیابی وارد حوزه سازمانی می شود و عضو آزمایشی به حساب می آید. در غیر آن، روابط با او در چهارچوب هوادار سازمان تنظیم می گردد.

- عضو آزمایشی از تمامی حقوق عضو جز انتخاب کردن و انتخاب شدن برخوردار است.

- عضو آزمایشی پس از سپری نمودن چهار ماه دوره آزمایشی عضویت سازمان را به دست آورده می تواند. در صورتی که عضو آزمایشی در این چهار ماه قناعت کمیته مربوطه را فراهم نسازد، عضویت آزمایشی اش برای یک بار دو ماه تمدید می گردد.

- عضو آزمایشی در مدت چهار ماه باید حداقل در هشت حوزه سازمانی حاضر باشد.

- عضو آزمایشی نصف حق عضویت را می پردازد.

- پس از آن که عضو آزمایشی عضو رسمی شد، عضویت او برایش ابلاغ می گردد، و این تعهد را در حوزه خود ابراز می دارد: «من به مثابه عضو صادق سازمان انقلابی افغانستان برنامه و اساسنامه آن را قبول دارم و تعهد می نمایم که برای رهایی کشور از استعمار و نجات توده های تهیدست و زحمتکش از استثمار مبارزه کنم، جانم را در راه پر شکوه انقلاب و زحمتکشان فدا نمایم، اسرار سازمان را چون مردمک چشم عزیز داشته، سازمان را حمایت نموده و تمام توانائی های مادی و معنوی ام را در خدمت سازمان و انقلاب قرار دهم.»

ماده یازدهم: عضویت و کناره گیری از سازمان داوطلبانه است. هر عضو بعد از کناره گیری باید کلیه مسؤولیت ها، اسناد و دارائی سازمان را به حوزه اش تحویل دهد و اسرار سازمان را حفظ نماید. در صورتی که عضو کنار رفته، به دشمن نپیوندد و اسرار سازمان را حفظ کند، برخورد با او به مثابه یک دوست خوب تنظیم می گردد و سازمان مکلف است رابطه اش را با او حفظ کند.

ماده دوازدهم: اقدامات انضباطی:

- عضوی که سه ماه بدون عذر موجه حق عضویت خود را پرداخت نکرده و در این مدت عملاً تماس خود را با سازمان قطع نموده باشد، حوزه مربوطه در مورد عضویتش تصمیم می گیرد و تصمیم خود را به ارگان بالاتر اعلام می کند.

- در صورت انجام ندادن وظایف مطروحه در اساسنامه و نقض انضباط، اقدامات زیر با دو سوم آرای اعضای حوزه مربوطه انجام می گیرد:

- اخطار، از سوی مسؤول حوزه مربوطه داده می شود.

- سلب مسؤولیت، با رأی دو سوم اعضای حوزه مربوطه رسمیت می یابد.

- تعلیق عضویت، توسط کمیته مرکزی ابلاغ می گردد. مدت تعلیق حداکثر چهار ماه برای یکبار می باشد که در این مدت عضو حق انتخاب و انتخاب شدن را ندارد، ولی از سایر حقوق اعضاء برخوردار است.

- در مورد خطاهای جزئی، وسایل تربیت و تأثیرگذاری به صورت انتقاد و انتقاد از خود و تذکر به کار گرفته می شود.

- هر عضوی که مورد اقدامات انضباطی قرار می گیرد، از زمان ابلاغ در مدت سه ماه حق بازخواست از کمیته خود تا کمیته مرکزی را دارد.

- هر عضو سازمان که متهم به خیانت و جنایت در درون سازمان گردد و خیانت و یا جنایت آن عضو ثابت

شود، کمیته مرکزی با دو ثلث آراء در زمینه تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد نمود.

فصل سوم

ارگان های مرکزی

ماده سیزدهم: عالیترین و بالاترین ارگان سازمان انقلابی افغانستان، کنگره است که هر چهار سال یکبار با شرکت دو سوم نمایندگان رسمیت می یابد.

- کنگره فوق العاده توسط دو سوم آرای کمیته مرکزی فرا خوانده می شود و پس از تصویب آن حداکثر ظرف دو ماه تشکیل می گردد و زمانی رسمیت می یابد که حداقل اعضای کمیته مرکزی، اعضای علی البدل کمیته مرکزی و مسؤولین واحدهای سازمان در آن اشتراک نمایند.

ماده چهاردهم: وظایف اساسی کنگره قرار ذیل است:

- تصویب و تعدیل برنامه، اساسنامه و مثنی سازمان

- تصویب فعالیت ها و گزارش های سازمان میان دو کنگره

- تعیین تعداد و انتخاب اعضای کمیته مرکزی و تعیین تعداد و انتخاب اعضای علی البدل کمیته مرکزی سازمان.

ماده پانزدهم: در فاصله میان دو کنگره، کمیته مرکزی بالاترین مرجع سازمان است که در برابر کنگره بعدی مسؤول می باشد.

- کمیته مرکزی از طرف مسؤول اجرائی سازمان رهبری می شود.

- مسؤول اجرائی به اساس کاندیداتوری در کمیته مرکزی و به اساس رأی کمیته مرکزی انتخاب می گردد.

- مسؤول اجرائی سازمان هر دو سال یکبار در وسط دو کنگره در جلسه کمیته مرکزی که اعضای علی البدل نیز حضور می داشته باشند (من حیث ناظر) به منظور جلوگیری از استبداد درون تشکیلاتی به رأی گذاشته می شود. در صورتی که دو سوم اعضای کمیته مرکزی کار مسؤول اجرائی را ناقص و مملو از کمبودها ارزیابی کنند، می توانند یک تن از اعضای دیگر کمیته مرکزی را به حیث مسؤول اجرائی سازمان تا زمان برگزاری کنگره انتخاب نمایند. مسؤول اجرائی، کماکان عضو کمیته مرکزی باقی می ماند، مگر این که کار او به اندازه ای ناقص و مملو از کمبودها باشد که شایستگی در مرکزیت سازمان را از دست داده باشد. (در جلسه سلب عضویت کمیته مرکزی از مسؤول اجرائی حد اعظمی پنج تن از کادرهایی که در کنگره شرکت کرده باشند به حیث ناظر می توانند شرکت کنند.)

- در فاصله میان دو جلسه کمیته مرکزی، بیوروی سیاسی بلندترین مرجع تشکیلاتی سازمان است که امور روزمره سازمان را زیر نظارت دارد و جلسه کمیته مرکزی را دعوت می نماید.

- بیوروی سیاسی از اعضای کمیته مرکزی از طریق کاندیداتوری و رأی اکثریت اعضای کمیته مرکزی انتخاب می گردد.

- بیوروی سیاسی در مناسبات با احزاب و سازمان های دیگر، سازمان را نمایندگی می کند.

- نشست های کمیته مرکزی هر شش ماه یکبار دایر می گردد، در صورت لزوم و به پیشنهاد دو سوم اعضاء، می تواند قبل از موعود معینه دعوت شود.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند عضو جدید (از میان اعضای علی البدل کمیته مرکزی) را به جای عضو قبلی که بنابر دلایل مختلف از کمیته مرکزی کناره گیری کرده و یا دیگر حضور ندارد، تعیین نماید.

- کمیته مرکزی با آرای دو سوم می تواند یکی از شرکت کنندگان کنگره را به جای یکی از اعضای علی البدل کمیته مرکزی که بنابر دلایلی از مقامش کناره گیری می کند، به حیث عضو علی البدل کمیته مرکزی تعیین نماید.

- دو سوم اعضای کمیته مرکزی می توانند عضو کمیته مرکزی را بنابر دلایلی اخراج نمایند. عضو اخراج شده حق دارد به تصمیم کمیته مرکزی در حضور پنج تن از کادرهای سازمان (سه تن را کمیته مرکزی و دو تن را عضو اخراج شده از میان اعضای سازمان انتخاب می نمایند) اعتراض کند و از خود دفاع نماید.

ماده شانزدهم: کمیته مرکزی به خاطر پیشبرد کارها باید کمیته های ذیل را ایجاد نماید:

- کمیته تشکیلات

- کمیته آموزش و نشراتی

- کمیته مالی

- کمیته کار دموکراتیک

کمیته مرکزی بنابر ضرورت می تواند زیر رهبری خود کمیته های دیگری را نیز ایجاد کند و وظایف مشخصی را به بیوروی سیاسی بسپارد.

۱۹ عقرب ۱۳۹۶